

دکتر بروس والتکه، مزامیر، سخنرانی ۲۸

بروس والتکه و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر بروس والتکه در حال تدریس در مورد کتاب مزامیر است. این جلسه ۲۸، ویرایش مزامیر است.

در بررسی روش‌های مختلف فهم مزامیر، به زمینه تاریخی مزامیر و مزامیر سلطنتی نگاهی انداختیم.

ما به اشکال مختلف مزامیر نگاه کردیم. در ساعت گذشته، به مزامیر حکمت که در ویرایش مزامیر نقش داشتند، نگاهی انداختیم. این موضوع روشن‌تر خواهد شد.

ما به رویکرد آخرازمانی و مسیحایی به مزامیر پرداختیم. در این سخنرانی، به ویرایش کتاب مزامیر خواهیم پرداخت و خواهیم فهمید که چگونه این کتاب به طور کلی با هم سازگار است.

حالا که بخش‌ها را بررسی کردیم، خب، بیایید با دعا شروع کنیم. پدر، از تو فیض یادگیری و درک خود را می‌خواهیم. از تو قدرت و انرژی لازم را می‌خواهیم. به تو چشم دوخته‌ایم. به نام مسیح به تو وابسته‌ایم. آمین.

در این سخنرانی، ابتدا به طور خلاصه عناوین مزامیر را مورد بحث قرار خواهیم داد.

سپس به فرآیند جمع‌آوری و گردآوری مزامیر تا زمان نگارش نهایی آنها در کتاب مقدس خواهیم پرداخت. و در نهایت، فکر می‌کنم در صفحه ۳۴۴، به اهمیت نحوه گردآوری این کتاب‌ها خواهیم پرداخت. کتاب مزامیر، همانطور که خواهیم دید، در واقع از پنج کتاب تشکیل شده است.

این کتاب به پنج کتاب تقسیم شده است. اما با نگاه کلی به کتاب، در کتاب مقدس عبری، هیچ عنوانی برای این کتاب وجود ندارد. معمولاً کتاب‌های کتاب مقدس، خب، در اسفار پنجگانه، با کلمه اول نامگذاری می‌شوند.

بنابراین، اولین کلمه در زبان عبری در سفر پیدایش، برشیت است و این تبدیل به نام می‌شود. در سفر خروج، اله شموت را دارید که به معنی نام‌ها است. و بنابراین، عنوان سفر خروج از آن گرفته شده است.

کلمه دوم شموت است. کلمه اول لاویان و یقرا است، به معنای خداوند فراخوانده شده. و این لاویان است.

در مزمور ۴، در آیه اول، اشاره شده است که در بیابان، بمیدبار، بوده است و همین عنوان می‌شود. اعداد با دواویریم، کلمات... شروع می‌شوند. اما در کتاب مزامیر، اینگونه نیست.

باید بگوییم که نام پیامبران از نام خود پیامبر گرفته شده است. بنابراین، نام آن از اشعیا یا حزقیال یا ارمیا گرفته شده است. اما در خود کتاب مقدس عبری، نامی وجود ندارد.

ممکن است در مزمور ۷۲، جایی که می‌گوید دعا‌های داوود، پسر یسی، به پایان رسیده است، به مرحله‌ی اولیه‌ی کتاب اشاره‌ای شده باشد. و ممکن است مجموعه‌ای قدیمی‌تر وجود داشته باشد که دعا‌های داوود نامیده می‌شد. اما به نظر می‌رسد که این، اگر بخواهید، پوسته‌ی تخم‌مرغ، اگر بخواهید، پوسته‌ی تخم‌مرغ مرحله‌ی اولیه‌ی کتاب باشد.

عنوان این کتاب در ادبیات یهودی و ادبیات ربی‌ها «زفیر تهیلیم» است. زفیر به معنای کتاب و تهیلیم به معنای ستایش است. گاهی اوقات به سادگی به صورت کوتاه شده تهیلیم یا شکل مصور آن، تهیلیم، که به معنای کتاب ستایش‌ها است، نوشته می‌شود.

بنابراین، ظاهراً نام آن از محتوای کتاب گرفته شده است، زیرا همانطور که گفتیم، تقریباً همه مزامیر دارای ستایش هستند. تنها مزمور ۸۸ که بخش ستایش ندارد، مزمور ۸۸ است. مزمور ۸۸ گوسفند سیاه مزمور نامیده می‌شود.

باید بگوییم زمانی بود که از این واقعیت که یک مزمور وجود داشت که بخش ستایش واقعی نداشت، نگران بودم، اگرچه به کار خدا در تاریخ اسرائیل اشاره می‌کند. فقط اشاره‌ای کوتاه به آن. تا اینکه یک بار خیلی خسته و ناامید بودم، حتی انرژی دعا کردن هم نداشتم.

متوجه شدم که حداقل مزمور انرژی لازم برای دعا کردن را دارد و این به خودی خود رستگاری بخش است از این بابت سپاسگزارم. اما مزامیر، شما مزامیر کاملی دارید که ستایش هستند، شما سرودهای سپاسگزاری برای ستایش دارید.

گفتم، حتی مزامیر مرثیه‌ها هم در ستایش بیان شده‌اند. بنابراین، بسیار مناسب است که این کتاب «کتاب ستایش‌ها» نامیده شده است. در ترجمه سپتواجینت به آن «سرودها» گفته شده، فکر می‌کنم، «سرودها».

عنوان مزامیر در واقع از یکی از نسخه‌های اصلی هفتادگانی گرفته شده است، که همان کدکس واتیکان است و به کدکس ب معروف است. قدمت آن به حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلادی می‌رسد. عنوان آن مزامیر است. این است (mizmor) یک ترجمه یا آوانویسی از عنوان مزامیر داوود است، به عنوان مثال، کلمه عبری مزمور

، این به مزامیر ترجمه شده است. خب، در مجموعه واتیکان، به مزامیر تبدیل می‌شود. در مجموعه اسکندریه، که قدمت آن به حدود ۴۰۰ میلادی می‌رسد، به آن مزامیر می‌گویند.

را ساختیم. بنابراین گاهی اوقات به دلیل آن تأثیر یونانی، به آن کتاب (Psalter) «از دل آن، نام» مزمور نامید (Psalter) «مزامیر گفته می‌شود. گاهی اوقات نیز می‌توان آن را «مزامیر

کتاب مزامیر، نامید. او این نام را آشکارا از Leva Psalmorum جروم، وقتی آن را ترجمه کرد، آن را گرفته است. بنابراین در هر صورت، به آن کتاب مزامیر می‌گویند، که از نظر فنی Psalmoi اصطلاح یونانی در انگلیسی، از طریق یونانی و از طریق لاتین آمده است و در انگلیسی به آن کتاب مزامیر می‌گویند.

به طور دقیق، همانطور که دیدیم، مزامیر یا مزمور به معنای آهنگی بود که با همراهی یک ساز زهی خوانده می‌شد. اما از آنجایی که نت ستایش در کتاب آنقدر قوی است که اکنون مزمور به آهنگی اشاره دارد که با ساز زهی خوانده می‌شود، نت ستایش آنقدر قوی است که مزمور به سرود ستایش اشاره دارد. بنابراین این به نوعی زمینه عنوان کتاب را به شما می‌دهد.

بنابراین من در مورد عنوان عبری، ادبیات خاخامی و پس از آن، ادبیات عبری که در ستایش آن صحبت گفته (Psalmoi) می‌شود، صحبت کردم. در کتاب مقدس یونانی، در مجموعه قوانین واتیکان، به آن مزامیر Psalter گفته می‌شود که به انگلیسی به عنوان Psalterium می‌شود. در مجموعه قوانین اسکندریه، به آن نامیده است Psalmoi یا به طور خلاصه Leva Psalmorum آمده است. و در لاتین، جروم آن را

بنابراین، همانطور که اشاره شد، باید به آهنگی اطلاق شود که با همراهی آلات موسیقی خوانده می‌شود، اما به یک آهنگ یا سرود مقدس اشاره دارد. بنابراین، این در نهایت ما را در آخرین سخنرانی معرفی می‌کند، من عنوان کتابی را که تمام این مدت مشغول مطالعه آن بوده‌ایم، انتخاب می‌کنم.

مرحله دومی که می‌خواهیم در مورد آن صحبت کنیم، چگونگی گردآوری کتاب، فرآیند جمع‌آوری آن است. کسی به خوبی گفته است که می‌توانید جمع‌آوری آن را مانند نحوه تبدیل قطرات باران به چشمه‌ها و نه‌های کوچک در نظر بگیرید. آنها به نه‌ها می‌روند و سپس به رودخانه‌های کوچک و رودخانه‌های بزرگتر و در نهایت به دریا می‌روند. بنابراین، ما با این مزامیر منفرد شروع می‌کنیم و آنها جمع‌آوری می‌شوند و در کتاب‌ها جمع‌آوری می‌شوند تا اینکه در نهایت به مجموعه کامل دست پیدا می‌کنیم.

بنابراین، ما قصد داریم به این فرآیند و مراحل که کتاب طی آنها گردآوری شده است، نگاهی بیندازیم. مرحله اول، البته، سرودهای منفرد یا مزامیر منفرد بود. همانطور که اشاره کردیم، برخی از آنها در واقع برای معبد سروده شده‌اند، یعنی مزامیر تسبیحات.

احتمالاً سرودها برای معبد ساخته می‌شدند. سرودهای ستایش سپاسگزارانه که با قربانی کامل همراه بودند. بنابراین، کلام ستایش همراه با قربانی ستایش بود.

این اشعار در ابتدا برای معبد در نظر گرفته شده بودند، اما به نظر می‌رسد مرثیه داوود در تجربیات مختلف، به ویژه هنگامی که هفت مزمور از مزامیر را سروده بود، دور از معبد سروده شده است. در حالی که او با شائول درگیر بود و در بیابان بود. بنابراین، آنها به طور خاص معبد را مد نظر نداشتند، اما از آنجایی که او شخصیتی کاریزماتیک بود و اشعاری سروده بود، ظاهراً کسی این اشعار را که سروده بود، نوشته است. این منجر به مرحله دوم برای همه مزامیر شد که به نوازنده ارشد تحویل داده می‌شوند.

بنابراین حتی مزامیر سوگواری نیز به نوازندگان اصلی داده می‌شود. بنابراین، نوازندگان اصلی آن را برای دموکراتیزه کردن پذیرفتند. آنها ممکن است به صورت جداگانه به داوود و برای پادشاه اشاره کرده باشند، اما آنها همچنین دموکراتیزه می‌شدند تا همه مردم بتوانند مزامیر را در معبد بخوانند، یا حداقل کاهنان بتوانند مزامیر را در معبد بخوانند، یا پادشاه بتواند مزامیر را در معبد بخواند.

احتمالاً، همانطور که گفتیم، بسیاری از آنها ضد و نقیض بودند. بنابراین، کاهن می‌خواند، مردم می‌خواندند، پادشاه می‌خواند، و احتمالاً یک کاهن یا پیامبر نماینده خدا بود و صدای خدا را در مزامیر بیان می‌کرد. بنابراین، مرحله اول، مزامیر منفرد یا برای معبد یا دور از معبد، یعنی مرثیه‌ها، است.

سپس مرحله دوم را دارید که اکنون آنها در معبد پذیرفته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. جزئیات دیگر در بالای صفحه ۳۳۷، جایی که من در مورد برخی از طومارهای قومران صحبت می‌کنم و این کمی برای مقدمه‌ای بر کتاب مزامیر بیش از حد مفصل است. من از آن صرف نظر می‌کنم.

مرحله سوم این است که ظاهراً اینها در گروه‌ها جمع‌آوری شده‌اند. در این بخش، من در مورد اینکه آنها در چه نوع گروه‌هایی جمع‌آوری شده‌اند، بحث می‌کنم. بنابراین، من در مورد نحوه جمع‌آوری آنها بر اساس نویسندگان یا ژانر صحبت می‌کنم، و سپس یکی از مشکلات مزامیر به عنوان مزامیر الهی شناخته می‌شود.

به نظر می‌رسد که آنها به نوعی با اشاره به نام الوهیم جمع‌آوری شده‌اند. من به تفصیل به این موضوع خواهم پرداخت. تکنیک‌های دیگری نیز وجود داشت که عبارت بودند از گروه‌بندی‌های موضوعی و سایر تکنیک‌های گروه‌بندی.

من به برخی از آن تکنیک‌های دیگر نگاه می‌کنم. من واقعاً تا حد زیادی به رساله دکترای جرارد ویلسون در دانشگاه ییل وابسته‌ام که در مورد خانواده بروت چایلدز که به ویرایش مزامیر پرداختند، نوشته شده است. شما این مرجع را در کتابشناسی خود دارید.

مرحله چهارم این است که آنها جمع‌آوری می‌شوند. سپس آنها را به گروه‌هایی تقسیم می‌کنیم و ظاهراً تقریباً در آخرین مرحله، همانطور که گفتم، آنها در پنج گروه، پنج کتاب، جمع‌آوری می‌شوند. و ما به آن نگاه خواهیم کرد.

و در نهایت، خود مجموعه کتب مقدس، یعنی ماسورتیک، را داریم که در واقع به خود کتاب در مجموعه عهد عتیق و سپس کتاب مقدس تبدیل می‌شود. خوب، بیایید با جزئیات بیشتری به این موضوع نگاه کنیم همانطور که در مرحله سوم، نحوه گردآوری آنها در گروه‌ها را بررسی می‌کنیم. ویلسون خاطرنشان می‌کند که فرآیند جمع‌آوری، با توجه به خطوط میخی، در اوایل سال‌های ۲۳۳۴ تا ۲۲۷۹ قبل از میلاد، قبل از میلاد مسیح، اگر نگوییم زودتر، رخ داده است.

بنابراین، شواهد موجود از بین‌النهرین نشان می‌دهد که این گروه‌بندی در اوایل تاریخ شکل‌گیری مزامیر رخ داده است. یکی از راه‌های گروه‌بندی آنها، از طریق نویسندگان است. کرونیکل از دو نویسنده نام می‌برد.

او درباره داوود و آساف به عنوان دو نویسنده اصلی مزامیر صحبت می‌کند. خیلی جالب است. او در آنجا می‌گوید که چگونه آنها تحت فرمان داوود و آساف بوده‌اند.

و بنابراین، این سوال را مطرح می‌کند که منظور از اینکه تحت دستان داوود و آساف بوده چیست؟ و احتمالاً به کایرونومی اشاره دارد که در آن شما موسیقی را با دستان خود هدایت می‌کردید. بنابراین، شما با دست خود علامت می‌دادید که چگونه آن را بخوانید. بنابراین، این روشی است که آن را بیان می‌کند، تحت دستان داوود و آساف.

بنابراین، بیشتر مزامیر نوشته‌ی داوود است و تقریباً تمام کتاب اول را پس از مقدمه‌ی مزامیر ۱ و ۲ داریم، مزامیر ۳ تا ۴۱ همگی نوشته‌ی داوود هستند. دو مزامیر ناشناس در آن مجموعه وجود دارد. آنها ۱۰ و ۳۳ هستند.

مزمور ۱۰ مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند، زیرا در اصل بخشی از مزمور ۹ بوده است. در ابتدا مزامیر ۹ و ۱۰ یک مزمور بودند. مزمور ۳۳ کمی مشکل‌سازتر است، زیرا یک مزمور بی‌اهمیت است که بدون اشاره به نویسنده‌اش در آن قرار دارد. مزامیر داوود، داوود، همچنین در کتاب دوم، از باب ۵۱ تا ۶۵ آمده است.

و دوباره، در صفحات ۶۸ تا ۷۰. و سپس در صفحه ۷۲ که کتاب دوم را به پایان می‌رساند، این مزمور از سلیمان است. و با این حال، به نظر می‌رسد که آن مزمور با مجموعه‌ای از مزامیر داوودی در باد بوده است.

و اینجاست که این یادداشت سرمقاله پایانی را داریم، دعا‌های داوود، پسر یسی، به پایان می‌رسد. ما مزامیر بیشتری از داوود در کتاب‌های سوم و چهارم داریم. و من در پاورقی ۴۷۷ به آن اشاره می‌کنم.

اما به عبارت دیگر، نکته مهم در اینجا این است که یکی از راه‌های جمع‌آوری مزامیر، از طریق تألیف است. و یکی از مجموعه‌های اصلی، آنهایی هستند که متعلق به داوود یا توسط داوود نوشته شده‌اند. مجموعه دیگری نیز وجود دارد که متعلق به پسران قورج است.

این در کتاب‌های دوم و سوم یافت می‌شود. و بنابراین، در کتاب دوم که کتاب را آغاز می‌کند، مزامیر ۴۲ و همانطور که گفتم، در اصل یک مزمور بودند و مزامیر ۴۲، ۴۳ تا ۴۹ توسط پسران قورچ سروده، ۴۳، شده‌اند. وقتی در مورد مزامیر الهی صحبت می‌کنیم، به این موضوع باز خواهیم گشت.

همچنین، در کتاب سوم، مزامیر ۸۴، ۸۵، ۸۷ و ۸۸ از پسران قورچ هستند. مزامیر آساف، مزامیر ۵۰، ۷۳ تا هستند. و قدیمی‌ترین مزمور در مزامیر، مزامیر ۹۰ است که از موسی، مرد خدا، سروده شده است ۸۳.

بنابراین، یکی از راه‌های جمع‌آوری مطالب از طریق نویسنده است. همچنین، آن‌ها بر اساس ژانرشان جمع‌آوری می‌شوند. بنابراین، برخی از مجموعه‌ها توسط خانم مور به عنوان مزمور گردآوری شده‌اند.

در Michtam من آن مجموعه‌های کوچک‌تر را به شما می‌دهم، ۳ تا ۶، نه، ۱۹ تا ۲۴ و غیره. ما قبلاً به نامیده می‌شوند تا محتاط یا ماهر باشند Maskil مزامیر ۵۶ تا ۶۰ نگاه کردیم. سپس برخی از آنها.

دقیقاً برخی از این بالانویس‌ها را نمی‌دانیم که چگونه آنها را ترجمه کنیم. اما در اینجا مجموعه ماسکیل ۴۲ تا ۴۶، ۵۲ تا ۵۵ را دارید. اما اینها مجموعه‌های کوچک‌تری هستند که ظاهراً در مجموعه‌های تألیفی قرار ۴۳ دارند.

گروه سوم که کاملاً مشکل‌ساز است، به اصطلاح مزامیر الوهیستی است. مزامیر الوهیستی از مزامیر ۴۲ تا ادامه دارد. به این دلیل مزامیر الوهیستی می‌گویند که در مزامیر دیگر غیر از این ۴۲ مزمور، نام اصلی ۸۳ خدا، نام اوست که با اشاره به خدای اسرائیل، یعنی یهوه یا من هستم یا معمولاً با حروف بزرگ به صورت خداوند ترجمه می‌شود.

این روش اصلی اشاره به خداست. او خدای اسرائیل است. بنابراین همانطور که مردوک خدای شخصی بابل بود، یهوه خدای شخصی اسرائیل است زیرا او ملت را تشکیل داد.

او ملت را به عنوان خانواده خود پذیرفت. او پدر آنها شد و آنها پسر او شدند. به تعبیری دیگر، او شوهر آنها شد و آنها عروس او شدند.

«بنابراین، شما این دو تصویر متفاوت از رابطه اسرائیل با خدای عهد و پیمان خود، که نامش «من هستم است، و اهمیت نامش را که در سخنرانی دیگری مورد بحث قرار داده‌ایم، دارید. اما در مزامیر الوهیستی، نام اصلی «الوهیم» است. این به خدا در مقام متعالی‌اش اشاره دارد.

این به سادگی به خدا اشاره دارد، خدای یگانه‌ای که همه چیز را در بر می‌گیرد. بنابراین، می‌توانید به مادرتان اشاره کنید، می‌توانید او را مادر خطاب کنید. هیچ کس دیگری وجود ندارد، یا می‌توانید نام مادرتان را داشته باشید.

بنابراین، به همین ترتیب، می‌توانید از خدا به عنوان خدا برای اشاره به ذات او استفاده کنید، یا می‌توانید از نام او یهوه استفاده کنید که او ابدی است و خود را از طریق رابطه‌اش با اسرائیل می‌شناساند. در اینجا آمار مزامیر ۱ تا ۴۱ را به شما ارائه می‌دهم و به یاد داشته باشید که مزامیر الوهی ۴۲ تا ۸۳ است. در مزامیر ۱ تا ۸۴ و ۱۵۰، نام شخصی خدا در رابطه‌اش با اسرائیل، یهوه، که به معنی من هستم است، ۵۸۴ بار ۴۱ تکرار می‌شود.

اما در مزامیر الوهیستی، نام او آمده است، اوه، در آن مزامیر، نام من هستم ۵۸۴ بار و عنوان الوهیم، به طور خلاصه خدا، ۹۴ بار آمده است. اما در مزامیر الوهیستی، نام من هستم ۴۵ بار و نام الوهیم ۲۱۰ بار آمده است. بنابراین، شما یک تمرکز یا تغییر بسیار متمایز از نام الهی دارید.

و علاوه بر این، استفاده از نام جایگزین اغلب در موازی سازی رخ می دهد. به عبارت دیگر، معادل یهوه و الوهیم A الوهیم خواهد بود. در کتاب های دیگر، به جز این مزامیر الوهی، یهوه معمولاً در مجموعه آیات قرار دارد B در مجموعه آیات.

قرار دارد. بنابراین، قالب B و یهوه در مجموعه آیات A اما در مزامیر الوهیستی، الوهیم در مجموعه آیات بسیار متمایزی در این ۴۲ کتاب وجود دارد. در واقع، مزامیر هم نوا وجود دارند که خارج از مزامیر الوهیستی و در درون مزامیر الوهیستی آمده اند.

این موضوع به صورت مصور نشان داده شده است. من مزمو ۱۴ و مزمو ۵۳ را به شما می دهم. می توانید ببینید که چگونه در مزمو ۵۳، به جای خداوند یا یهوه، از کلمه الوهیم استفاده شده است.

این مزمو است. از داوود است. احمق در دل خود می گوید که خدای وجود ندارد.

آنها فاسدند. اعمالشان زشت است. هیچ کس نیکوکار نیست.

فکر می کنم شما می توانید این را از رومیان ۳ تشخیص دهید. اینجاست که پولس از مزمو استفاده می کند تا نشان دهد که از میان گناهکاران، هیچ کس نیکوکار نیست. و بنابراین، او از طریق مزمو، اصول و عقاید را آموزش می دهد. توجه کنید که چگونه در اینجا به خدا اشاره دارد.

او از مزمو استفاده می کند، این مزمو ۱۴ است، خداوند، یعنی یهوه، از آسمان به تمام بشریت نگاه می کند تا ببیند آیا کسی هست که بفهمد، کسی هست که خدا را بجوید. توجه کنید که چگونه خداوند در حضور دارند. همه روی برگردانده اند B و خدا در مجموعه آیات A مجموعه آیات.

همه فاسد شده اند. هیچ کس نیکوکار نیست، حتی یک نفر. آیا همه این بدکاران بی خبرند؟ آنها قوم مرا می بلعند، گویی نان می خورند.

آنها هرگز نام خداوند را نمی خوانند. اما آنها آنجا هستند، غرق در ترس، زیرا خدا در جمع صالحان حضور دارد. شما بدکاران نقشه های فقیران را نقش بر آب می کنید، اما به نام واقعی توجه کنید، خداوند پناهگاه آنهاست.

تمام آن نجات برای اسرائیل از صهیون بیرون خواهد آمد، زمانی که خداوند قلعه، قوم خود را بازسازی کند. بگذار یعقوب شادمان باشد و اسرائیل شادمان. و اینک مزمو در مزمو الهی.

احمق در دل خود می گوید، اینک داوود مرد است، احمق در دل خود می گوید خدای وجود ندارد. آنها فاسدند و راه های شان پلید است. هیچ کس نیکوکار نیست.

حال توجه کنید، در حالی که در مزمو ۱۴ آمده است، خداوند از آسمان به پایین می نگرند. در اینجا می خوانیم، خدا از آسمان به تمام بشریت می نگرند تا ببیند آیا کسی هست که بفهمد، کسی که به دنبال خدا باشد. همه روگردان شده اند.

همه فاسد شده‌اند. هیچ‌کس نیکوکار نیست، حتی یک نفر. آیا همه این بدکاران بی‌خبرند؟ آنها قوم مرا می‌بلعند، گویی نان می‌خورند.

آنها هرگز خدا را نمی‌خوانند. در حالی که در مزمور ۱۴ آمده است که آنها هرگز خداوند را نمی‌خوانند. اما در آنجا آنها غرق در ترس هستند، جایی که هیچ چیز برای ترسیدن وجود ندارد.

خدا استخوان‌های کسانی را که به تو حمله کردند، پراکنده ساخت. تو آنها را شرمند کردی، زیرا خدا آنها را تحقیر کرد. تمام آن نجات برای اسرائیل از صهیون بیرون خواهد آمد، زمانی که خدا بخت و اقبال قوم خود را بازابد.

توجه داشته باشید که در آیه هفتم مزمور ۱۴، تمام آن نجات برای اسرائیل از صهیون بیرون خواهد آمد زمانی که خداوند قوم خود را بازگرداند. اما بگذارید یعقوب شادی کند و اسرائیل شادمان باشد. بنابراین، فکر می‌کنم خیلی واضح است.

یک تغییر نام بسیار آگاهانه از نام شخصی اسرائیل به اصطلاح عمومی انتزاعی‌تر برای خدا، که خالق متعال است، نه JEP D مانند E همه چیز است، وجود دارد. من فرض می‌کنم که در ولهاوزن، این همه چیزهای E، J، نه، این هیچ ارتباطی با آن ندارد. نه، این به این دلیل نیست که این فقط به این دلیل است که پنجگانه فقط در پنجگانه هستند، یا با برخی مانند فون راد، شامل ششگانه نیز می‌شود. او یوشع را در آن D و گنجانده است. بنابراین، نه، این هیچ ارتباطی با آن ندارد.

حال، وقتی به این مزمور الوهیتی نگاه می‌کنیم، می‌توانیم ببینیم که هسته اصلی آن از آیات ۵۱ تا ۷۲ به زبان داوود است و توسط دو مجموعه لاوی احاطه شده است.

اول از همه، همانطور که گفتیم، توسط قورحیان، توسط پسران قورح، یعنی از باب ۴۲ تا ۴۹. سپس مزامیر آساف از باب ۷۳ تا ۸۳ را دارید. بنابراین، به نظر می‌رسد که حول یک هسته داوودی با دو گروه سرود. لاویان در دو طرف آن است.

اما چیزی که برای ما جالب است این است که ۴۲ مزمور وجود دارد و آنها از مزمور ۴۲ شروع می‌شوند. خب، عدد ۴۲ چه چیزی را نشان می‌دهد؟ چرا داریم، آنها از مزمور ۴۲ شروع می‌شوند و ما ۴۲ مزمور داریم. خب، اعداد اهمیت نمادین دارند.

تا جایی که من متوجه می‌شوم و با دیگران هم موافقم، عدد ۴۲ به قضاوت زود هنگام اشاره دارد. مثلاً شما این را دارید، چرا ذکر شده است که وقتی الیشع خرس‌ها را به سمت بچه‌ها، پسران بیت‌ئیل که او را مسخره می‌کردند و مسخره می‌کردند، فرستاد، ۴۲ پسر کشته شدند؟ این عدد ۴۲ است.

وقتی ییهو یهودیانی را که به سامره می‌آمدند، می‌کشد، در آن صورت ۴۲ نفر از یهودیان را می‌کشد. بنابراین عدد ۴۲ به طور برجسته‌ای در مجموعه‌های شعر باستانی خاور نزدیک دیده می‌شود. در این مجموعه، ۴۲ مزمور وجود دارد.

این با مزامیر ۴۲ شروع می‌شود و در جاهای دیگر عهد عتیق، عدد ۴۲ در زمینه داوری یا مرگ زودرس استفاده می‌شود. بنابراین، برای مثال، در داوران ۱۲:۶، جایی که یفتاح از افرایمی‌ها در گذرگاه‌های اردن انتقام گرفت، ۴۲۰۰۰ افرایمی وجود داشت. اما باز هم، آنها با عدد ۴۲ به قتل می‌رسند.

من قبلاً در دوم پادشاهان ۲:۲۴ به فرزندان اشاره کردم. و سپس در دوم پادشاهان ۱۰:۱۴ به خویشاوندان اخزیا. و ممکن است این موضوع تا حدودی به صحنه‌ای در مکاشفه مربوط باشد که در آن وحش به مدت ماه حکومت می‌کند و پس از آن، در اواسط هفت سال، نابود می‌شود. در هر صورت، فکر می‌کنم ۴۲ می‌توانیم استدلال کنیم که ۴۲ ماه یک داوری زود هنگام است. پس چرا این ۴۲ ماه وجود دارد؟ و فکر می‌کنم احتمالاً با برنت درست است که ممکن است سوگواری برای تخریب معبد وجود داشته باشد، که ممکن است منعکس کننده آن باشد.

می‌گویند برای ویرانی معبد در سال ۵۸۷ سوگواری کنید. و سپس نه تنها مزامیر سوگواری در مجموعه لاویان در این مجموعه الوهیتی وجود دارد، بلکه برای ابراز امید به تجدید حیات فراتر از آن است. هر دو مجموعه سیاسی با سوگواری آغاز می‌شوند، یا از غیبت معبد، مزمور ۴۲، چرا بر روح من ظلم می‌کنی؟ ما به آن مزمور نگاه کردیم.

او از معبد دور است یا اراده خدا را نمی‌بیند، یا از معبد دور است یا از لطف خدا محروم است، همانطور که در مزمور ۷۳ دیدیم. مزمور ۷۳ کتاب سوم مزمور را آغاز می‌کند. بنابراین مزمور اول از کتاب دوم درباره غیبت معبد است.

و مزمور اول از مزمور ۷۳، از کتاب سوم، مزمور ۷۳ خدا را برای اسرائیل نشان می‌دهد. اما برای من، وقتی رفاه شیرین را دیدم، نزدیک بود پاهایم بلغزد. من تمام روز رنج کشیده‌ام.

در هر دو مورد، به نوبه خود، سوگواری‌های جمعی از شکست به دنبال آنها می‌آید. ما به مزمور ۴۴ نگاه کردیم، به عنوان مثال، آنها را گوسفندانی برای کشتار و تخریب معبد در نظر گرفتیم، جایی که آنها با تبرهای خود وارد می‌شوند و آن را قطع می‌کنند و ویران می‌کنند. این مزمور ۷۴ است.

مجموعه مزامیر آساف، که شامل مزامیر ۷۳ تا ۸۳ می‌شود، شامل مرثیه‌های دسته‌جمعی دیگری نیز می‌شود. مطمئن نیستم که اینجا چه اتفاقی افتاده است، فکر می‌کنم باید ۷۹، ۸۰ و ۸۳ باشد. مزمور ۸۳ با التماس از خدا برای مقابله با دشمنان ملی و اعمال حاکمیت جهانی خدا به پایان می‌رسد.

این را از مطالعه جوئل برنت، با عنوان «۴۲ سرود برای الوهیم، یک اصل سازمان‌دهنده در شکل‌گیری مزامیر»، در سال ۲۰۰۶ برداشت می‌کنم. باز هم، با نگاهی به مزامیر الوهیتی در صفحه ۳۱۰ JSOT الوهیتی «در متوجه می‌شویم که در اینجا سرودهای صهیون نیز وجود دارند که امید می‌دهند. بنابراین، در بحبوحه این ویرانی، در همان مجموعه، سرودهای صهیون را داریم که در بحبوحه مرگ به مردم امید می‌دهند.

بنابراین گفته می‌شود که مزامیر ۸۴ تا ۸۹، بخشی از مزامیر الوهیتی نیستند، بلکه بخشی از کتاب سوم هستند. در واقع ضمیمه‌ای به آن می‌باشند. در همین مجموعه است که تاریک‌ترین مزمور، یعنی مزمور ۸۸ را داریم.

در مزمور ۸۹، شکست خاندان داوود را می‌بینیم که عهد را به داوود دادند، اما تاج داوود همانطور که مزمورنویس بیان می‌کند، در غبار می‌غلطد. بنابراین، شکست عهد داوود در مزمور ۸۹ به شدت مورد سوگواری قرار گرفته است، اما سرودهای صهیون نیز مانند مزامیر ۸۴ و ۸۷ وجود دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که ترکیبی از مرگ و امید است.

به نظر می‌رسد ترکیبی از تخریب معبد، سوگواری دسته‌جمعی، رفاه شیرین، من در تبعید هستم، ارتش شکست می‌خورد، همه این مزامیر. اما در عین حال، این سرودهای صهیون را نیز در آن می‌گنجانیم تا امید را

احیا کنند که صهیون شهر خداست و احیا خواهد شد. همانطور که می بینید، مزامیر الهی تا حدودی مشکل ساز است.

به نظر من، این بهترین راه برای فهمیدن آن است. سال ها وقتی کتاب مزامیر را تدریس می کردم، به سادگی می گفتم که آن را نمی فهمم. اما فکر می کنم کم کم دارم با این مطالعه ی برنت که احتمالاً منعکس کننده ی آن است، موافقم.

مزامیر تاریک زیادی وجود دارد، از جمله تخریب معبد و ۷۴، ۷۹ و غیره. اما در عین حال، سرودهای صهیون را داریم که امید می دهند. در حال حاضر این بهترین کاری است که می توانم با آن انجام دهم.

سپس با این جمله نتیجه گیری می کنم که ترکیب مرگ و زندگی، به آن یک امید مسیحایی آخرالزمانی برای اورشلیم و معبد پس از نابودی آن می دهد. بنابراین، فکر می کنم این نحوه ی عملکرد کتاب است. من برخی از پیامبران کوچک را خوانده ام و به نظر می رسد حتی آن هایی که تأکید واقعی بر داوری دارند، همیشه امید را در دل خود جای داده اند.

این یه جورایی یه الگوی کتاب مقدسیه، مگه نه؟ آدم هیچ وقت فقط در مورد داوری حرف نمی زنه، چون همیشه در پایان داوری امیدی هست. درسته. دقیقاً، این در مورد تمام مطالب نبوی صدق می کنه.

مثلاً در مورد میکاه، که من با آن بیشتر آشنا هستم. این همان چیزی است که به آن فکر می کردم. ببخشید؟ این همان چیزی بود که به آن فکر می کردم.

خب، در کتاب میکاه، شما این مجموعه کامل از پیشگویی های داوری را می بینید. در واقع، من کتاب را به سه بخش تقسیم می کنم.

بخش اول، فصل های اول تا دوم است، خب، در واقع از فصل اول تا دوم. با قهرمان اسرائیل شروع می شود و مجموعه ای کامل از اتهامات و داوری را دارید. و سپس تنها امید را در پایان فصل ۱۲ دارید، جایی که خداوند از صهیون بیرون خواهد آمد و بقیه را دارید.

سپس به بخش دوم، فصل سوم، قهرمان اسرائیل می رسیم. و سه پیشگویی علیه رهبری، رهبران علیه کاهنان علیه انبیا و در نهایت نابودی اورشلیم را داریم. اما سپس به بخش چهارم و پنجم می رسیم که پر از بازماندگانی است که قرار است احیا شوند و به ملتی قدرتمند تبدیل شوند.

و اینجا است که به اینجا می رسیم، اما تو ای بیت لحم، اگرچه در میان هزاران یهودا کوچک هستی، اما از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که قرار است حاکم اسرائیل باشد، کسی که از قدیم و از ازل آمده است. و همین اتفاق در بخش سوم، فصل های ششم، هفتم تا هشتم، رخ می دهد. همه اینها اتهام و داوری است، اما در پایان با سرود پیروزی به پایان می رسد.

کاملاً درست است. این همان چیز است. منظورم این است که این یک الگوی خوب برای موعظه کردن هم هست.

اما حتی اگر از طریق یک متن قضاوت آمیز موعظه می کنید، باید امیدی ابراز شود. درست است. بله.

زیرا اگر رستگاری نباشد، مزورنویس می گوید، چه کسی می تواند بایستد، چه کسی می تواند تحمل کند؟ اگر همه چیز فقط داوری باشد، فقط دست های تان را به زمین می اندازید. خب، همین. ما هیچ امیدی نداریم.

درسته. بله. این خیلی خیلی خوبه.

روش دیگری برای گروه‌بندی. خب، من در مورد گروه‌بندی بر اساس نویسنده، گروه‌بندی بر اساس ژانر، گروه‌بندی بر اساس استفاده از الوهیم در مقابل یهوه صحبت کرده‌ام. روش دیگر گروه‌بندی موضوعی است.

در زبان عبری، تفکر سامی، روشی وجود دارد که در آن مطالب را طوری کنار هم قرار می‌دهند که تا حدودی همگن باشند. فکر می‌کنم با این روش، مثلاً در الفبای ما، در مورد گروه‌بندی مطالب همگن، بینشی به دست می‌آورد، جایی که الفبای انگلیسی ما واقعاً بر اساس یک الفبای سامی است. بنابراین، برای مثال، ما HIIJ خواهیم داشت.

می‌آید caph از کلمه عبری K می‌آید. و کلمه yod از کلمه عبری I کلمه. HIIK، خب

یُد، که از طریق الفبای یونانی به «ی» ما می‌رسد، به دست اشاره دارد. و در عبری، از آرنج تا نوک انگشت اشاره دارد. این «ی» است. ک کلمه عبری «کاف» است.

کلمه عبری که N و M و این به کف دست اشاره دارد و این دو کنار هم قرار می‌گیرند. برای مثال، وقتی به است که به معنی آب است. و سپس نون به معنی ماهی است mayim از آن می‌آید، می‌رسید، کلمه عبری M

می‌آید که به معنی پشت سر، جایی که مو وجود دارد، است. و qoph از کلمه عبری Q حرف R، و Q حرف می‌آید که به جلوی سر اشاره دارد. و بنابراین، می‌توانید ببینید که اینجا یک گروه‌بندی از resh از R حرف افکار وجود دارد.

و به نظر می‌رسد که این مطالب توسط خاخام‌ها جمع‌آوری شده است. گردآورندگان مزامیر نیز به نوعی مطالب همگنی را کنار هم قرار می‌دهند. بنابراین، برای مثال، می‌توانید تناوب دعا‌های صبح و عصر را در مزامیر ۳ تا ۶ مشاهده کنید. بنابراین، ما به مزمو ۳ نگاه کردیم و من صبح از خواب بیدار شدم.

مزمو ۴، شب‌ها به خواب می‌روم. مزمو ۴، او همچون نگهبانی منتظر است تا خدا صبحگاهان عدالت را برقرار کند. مزمو ۶، او شب‌ها بستر خود را از اشک غرق می‌کند.

بنابراین صبح، شب، صبح، شب. و شاید برای قربانی صبحگاهی و قربانی شامگاهی در نظر گرفته شده باشد. این صرفاً حدس و گمان است.

اما باز هم، این روشی برای گروه‌بندی مطالب است. بنابراین منظور شما از دسته‌بندی موضوعی، فقط دسته‌بندی موضوعی از نظر معنای آنچه آموزش داده می‌شود نیست، بلکه استعاره‌ها، تشبیهات مشترک. تصاویر است. بله.

من دارم از شما خیلی کلی استفاده می‌کنم. آره. باشه.

بله. توجه کنید که مزامیر ۷، ۸ و ۹ چطور با هم مرتبط هستند. شاید بخواهید به آنجا مراجعه کنید.

ما به مزمور ۸ نگاه کردیم، ای خداوند، پروردگار ما، نام تو در تمام زمین چقدر باشکوه است. اما به مزمور قبل و بعد از آن نگاه کنید. این پایان مزمور ۷ است. در مزمور ۷: ۱۷ می‌خوانیم، خداوند را به خاطر عدالتش شکر می‌کنم.

من نام خداوند متعال را ستایش خواهم کرد. این آخرین آیه از مزمور ۷ است. مزمور ۸ با این جمله آغاز می‌شود: ای خداوند، پروردگار ما، نام تو در تمام زمین چه باشکوه است. و سپس این جمله در انتهای آیه ۸ تکرار می‌شود: پروردگارا، پروردگار ما، نام تو در تمام زمین چه باشکوه است.

و این ما را به مزمور ۹ هدایت می‌کند. ای خداوند، با تمام وجودم تو را شکر خواهم کرد. از تمام کارهای شگفت‌انگیز تو خواهم گفت. در تو شاد و مسرور خواهم شد.

ای والاترین، نام تو را ستایش خواهم کرد، که بسیار شبیه به آیه ۷: ۱۷ است. بنابراین، به نظر می‌رسد که این‌ها راه‌هایی هستند که مطالب از طریق آن‌ها گردآوری شده‌اند. ما قبلاً به مزامیر ۹۳ تا ۹۹ نگاه کردیم که مزامیر تاجگذاری نامیده می‌شوند زیرا به سلطنت خدا و پیروزی او در تثبیت خلقت اشاره دارند. آن‌ها همچنین از آمدن و داوری او سخن می‌گویند.

روش‌ها و تکنیک‌های دیگری برای کنار هم قرار دادن آنها وجود دارد. آنها در کنار هم قرار دادن قطعات مشابه یا یکسان در چیپت‌ها، همان پایان را دارند. بنابراین، مزمور ۱۰۳ و مزمور ۱۰۴، آغاز چگونگی شروع آن هستند.

و بنابراین، مزمور ۱۰۳ و ۱۰۴ هر دو با عبارات یکسانی شروع و پایان می‌یابند، مثلاً خداوند را ستایش کن یا ای روح من، من را ستایش کن. روش دیگر با تکنیک‌های دیگر، همانطور که اینجا مطرح کردم، روش دیگری است که از عناوین منحصر به فرد استفاده می‌کند. و یکی از مجموعه‌های معروف، سرود صعودها، مزامیر ۱۳۴ است، زیرا همه آنها با المالت شروع می‌شوند که به معنای صعود است ۱۲۰.

برخی در مورد معنای آن بحث می‌کنند، اما اجماع عمومی این است که آنها برای زیارت نوشته شده‌اند، زمانی که شما به زیارت اورشلیم می‌رفتید و اسرائیل سه بار در سال به آنجا می‌رفت. آنها همچنین با عبارات قصار به هم مرتبط هستند. و ما قبلاً دیدیم که چگونه مزامیر ۱ و ۲ در کنار هم قرار گرفته‌اند.

مزامیر ۳ و ۴ در کنار هم آورده شده‌اند زیرا اشاره کردم که مزمور ۱ با «مبارک» آغاز می‌شود و مزمور ۲ با «مبارک» پایان می‌یابد. اینکه در مزمور ۱، شما در تورات تأمل می‌کنید. مزمور ۲ به قانون اشاره دارد.

مزمور ۱ به مراقبه اشاره دارد و ۲: ۱ به دعا کردن و غیره. ما قبلاً در مورد این موضوع بحث کرده‌ایم. مزمور ۴ به هم مرتبط هستند زیرا هر دو می‌گویند، من دراز می‌کشم و می‌خوابم در ۳: ۶ و ۴: ۸. و بنابراین، به ۳ نظر می‌رسد که این کلمات کلیدی یا عبارات یا کلماتی که به عنوان الحاق، الحاقات یا الحاقات شناخته می‌شوند، روش دیگری برای گروه‌بندی مطالب شما هستند.

گروه‌بندی دیگر بر اساس مزامیر هلولویه است. و من این گروه‌بندی‌ها را اینجا به شما ارائه می‌دهم. چهار گروه از مزامیر هلولویه وجود دارد که همگی نشان‌دهنده‌ی پایان بخش‌های مزامیر هستند.

بنابراین، ۱۰۴ و ۱۰۶ کتاب دوم را به پایان می‌رسانند، منظوم این است که، ببخشید، کتاب چهارم. مزامیر تا ۱۵۰ کتاب پنجم را به پایان می‌رسانند. و کسانی هستند که استدلال می‌کنند واحدی وجود دارد که ۱۴۶ به ۱۱۷ ختم می‌شود و واحد دیگری که خب، بعد از مزامیر صعودی ۱۲۰ تا ۱۳۴، ۱۳۵ را داریم. خب، به هر حال، ما داشتیم در مورد چگونگی کنار هم قرار گرفتن مزامیر صحبت می‌کردیم. و گفتیم که مرحله اول

مزامیر جداگانه یا برای معبد یا خارج از معبد بود. اما در نهایت، فکر می‌کنم، تقریباً بلافاصله همه آنها به مدیر موسیقی داده شدند.

همه آنها برای معبد بودند. و به نظر می‌رسد که خاندان لاوی، خاندان‌های مختلف مانند آساف، خب، این لاوی نیست، او از نوادگان لاوی است، اما قوراطیان و غیره. آنها خاندانی متمایز هستند و خوانندگانی هستند که این مطالب را گرد هم می‌آورند.

و آنها آن را به روش‌هایی که من پیشنهاد داده‌ام، گروه‌بندی می‌کردند. و این هیچ ربطی به نحوه نگارش آنها ندارد. منظورم این است که آنها نمی‌نوشتند که آنها را کنار هم قرار دهند.

اینگونه بود که نوشته‌هایشان نوشته شده بود. بله، فکر می‌کنم خیلی شبیه به امثال است که همه آنها جداگانه بودند، اما به وسیله نوعی ارتباط به هم پیوسته بودند. فکر می‌کنم وقتی واقعاً ارتباط را می‌بینیم، این ارتباط‌ها معنای غنی‌تری می‌دهند.

بنابراین حتی وقتی در مورد مزامیر الهی صحبت کردم، منظورم این بود که معنای عمیق‌تر و غنی‌تری دارد که مربوط به نابودی و امید فراتر از آن است. مزامیر هلولیاه سپس به پایان بخش‌ها اشاره می‌کنند. و من در مورد آن صحبت می‌کردم و اینکه هودا، من ستایش سپاسگزارانه‌ای خواهم کرد.

بنابراین، «هله‌لویاه» در پایان، یا «سپاسگزاری از خداوند»، «هُدا»، یا «ستایش خداوند» استفاده می‌شود. آن‌ها برای مقدمه‌ی بخش‌ها استفاده می‌شوند. خب، به هر حال، من در مورد چگونگی گردآوری مزامیر از مزامیر جداگانه و سپس تحویل آن‌ها به معبد و جمع‌آوری آن‌ها توسط کاهنان لاوی مسئول سرودخوانی معبد صحبت می‌کنم.

مرحله چهارم، جمع‌آوری مزامیر در پنج کتاب است. این پنج کتاب عبارتند از کتاب اول، کتاب اول، مزامیر ۴۱ تا ۴۲. کتاب دوم، مزامیر ۴۲ تا ۷۲.

کتاب سوم مزامیر ۷۳-۸۹ است. کتاب چهارم مزامیر ۹۰-۱۰۶ و کتاب پنجم ۱۰۷-۱۵۰ است. گواه بر اینکه ترتیب پنج کتاب وجود دارد این است که ظاهراً این مزامیر که با ستایش‌های پایانی به پایان رسیده‌اند، کتاب را نیز به پایان رسانده‌اند، اما آنها تکراری و کلیشه‌ای نیستند.

هر ستایش متفاوت است. بنابراین، شاید بخواهید نگاهی به ستایش انتهای کتاب اول، یعنی مزمور ۴۱، ببیند. در ستایش می‌خوانیم: «ستایش باد خداوند، خدای اسرائیل از ازل تا ابد».

فکر می‌کنم کاهنان این را گفتند. و مردم پاسخ دادند، آمین و آمین، که به معنی درست، صحیح، محکم استوار است. که با ستایش خداوند، خدای اسرائیل از ازل تا ابد، پایان می‌یابد.

فکر می‌کنم پاسخ آمین و آمین باشد. سپس در انتهای مزمور ۷۲ نیز ستایش مشابهی دارید. در اینجا می‌خوانیم: ستایش از آن خداوند، خدای اسرائیل است که تنها اوست که کارهای شگفت‌انگیز می‌کند.

ستایش بر نام باشکوه او تا ابد باد. باشد که تمامی زمین از جلال او پر شود. و من فکر می‌کنم مردم با آمین و آمین پاسخ می‌دهند.

با نگاهی به آخرین مزمور کتاب سوم، که مزمور ۸۹ و آیه ۵۲ است، می‌خوانیم: «خداوند را تا ابد ستایش باد.» و مردم پاسخ می‌دهند: «آمین و آمین.» و در نهایت، آخرین مزمور کتاب چهارم با مزمور ۱۰۶ و آیه ۴۸: «به پایان می‌رسد.» خداوند را ستایش باد، خدای اسرائیل از ازل تا ابد

بگذارید همه مردم بگویند، آمین. در اینجا کاملاً مشخص است که مردم به ستایش و ستایش پایانی که احتمالاً توسط کاهن خوانده شده است، واکنش نشان می‌دهند. بنابراین، این ستایش‌ها احتمالاً بخش اصلی مزمور بوده‌اند.

و آنها به دلیل ستایش‌هایشان برای پایان دادن به کتاب‌های مختلف مزمور انتخاب شدند. حال، کتاب ۵ چنین ستایشی ندارد زیرا پنج مزمور آخر فقط ستایش محض برای خداوند ۱۴۶ تا ۱۵۰ هستند. بنابراین تقریباً همه آن مزامیر ستایش و ستایش خدا هستند.

خاخام‌ها تشخیص دادند که آنها پنج کتاب دارند. بنابراین، ما از روی آن می‌خوانیم، من این را از کار بروی در مورد میدراش، در مورد مزامیر، استخراج می‌کنم. همانطور که موسی پنج کتاب شریعت را به اسرائیل داد، داوود نیز پنج کتاب مزامیر را به اسرائیل داد.

و بنابراین، این کتاب‌ها با نام اولین کلماتشان نامگذاری شده‌اند. بنابراین، عنوان کتاب اول «متبرک باد آن مرد» و عنوان کتاب دوم «برای رهبر ماسکیل» است.

کتاب سوم مزمور آساف، کتاب چهارم دعای موسی و کتاب پنجم چنین گویند: «بگذار فدیۀ شدگان.» خداوند چنین گویند.

این خیلی قدیمی است. نه تنها در ادبیات ربی‌ها، بلکه در یک مزمور در قمران، ما در واقع این ستایش‌نامه را حفظ کرده‌ایم. نشانه دیگری از پنج کتاب، و نه تنها این ستایش‌نامه‌ها را داریم، بلکه در این مورد، نویسنده را هم در حاشیه داریم.

بنابراین در کتاب اول پس از مقدمه، نویسنده داوود است و این تقریباً در کل کتاب اول امتداد دارد. کتاب دوم با مزمور ۴۲ آغاز می‌شود که توسط یا متعلق به پسران قورح است. کتاب سوم توسط آساف است.

کتاب چهارم نوشته‌ی موسی است. به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی کتاب پنجم بیشتر ساختگی باشد. در مزمور ۱۰۷ نویسنده‌ای به ما معرفی نشده است.

فکر می‌کنم همین که می‌بینیم پنج کتاب از مزامیر وجود دارد و شواهدی هم برای آن وجود دارد، برای اهداف ما کافی باشد. بنابراین، آنها رابطه داوود با موسی را تشخیص می‌دادند. همانطور که گفتم، موسی اساساً آیین را ارائه داد و داوود آن را به اپرا تبدیل کرد.

بنابراین، آنها رابطه بین پنج کتاب موسی و پنج کتاب داوود را در ادبیات، در ادبیات ربی‌ها می‌بینند. می‌دانید برخی صحبت‌ها در مورد تقسیم‌بندی پنج‌گانه متی وجود دارد. به عبارت دیگر، آیا این الگوی پنج‌گانه در جای دیگری از کتاب مقدس وجود دارد؟ من فکر می‌کنم پنج کتاب در مگالوت وجود دارد.

فکر می‌کنم درست است، اما من باید اینطور باشم، کاملاً مطمئنم که درست است. این چیزی است که به ذهنم می‌رسد. بنابراین، به عبارت دیگر، در متی، می‌تواند فقط یک الگو باشد که او، چون یهودی است، به دیدن قطعات بزرگ پنج‌تایی عادت داشته است.

خیلی خب. آره. خب، در عهد عتیق، ممکنه با مگالات باشه.

شما تورات، پنج کتاب مزامیر و احتمالاً پنج مگالوت خواهید داشت که می‌تواند الگویی باشد که بر او تأثیر گذاشته است. به نظر من فکر کردن به این شکل منطقی است.

اگر از هر پنج کتاب، تعدادی را بردارید و واژگان عبری و ریتم کتاب‌ها و چیزهایی از این قبیل را با هم مقایسه کنید، آیا می‌توانید بگویید کدام کتاب از کدام کتاب است؟ آیا از واژگان متفاوتی استفاده کرده‌اند؟ آیا هنگام نوشتن کتاب‌ها از ریتم متفاوتی استفاده کرده‌اند؟ نه، نه. من ندیده‌ام کسی این کار را انجام دهد. برخی سعی کرده‌اند پنج کتاب را مانند کتاب اول در کنار پیدایش قرار دهند، اما این کار جواب نمی‌دهد.

نه، و وقتی در مورد شعر عبری صحبت کردم، می‌شد دید که از همه جا الهام می‌گیرم. حالا بین شعر و شعر کتاب مقدس و اشعار قمرانی که قرن‌ها بعد خلق شده‌اند، تضادی وجود دارد. در آن شعر تفاوت وجود دارد.

اما در خود مزامیر، شما آن را نمی‌بینید. و همچنین، اینکه مطالب مربوط به داوود، تماماً کتاب اول داوود است. همانطور که گفتم، مزامیر الهی، این مزامیر الهی از آن ۴۲ تا ۸۳، آن ۴۲ مزمور.

برای من جالب است که کتاب سوم تقریباً از اواسط آن شروع می‌شود، که به من نشان می‌دهد تقسیم به پنج کتاب، بعد از شکل‌گیری مزامیر الوهیتی است، زیرا اکنون به دو کتاب تقسیم شده است. بنابراین، مزامیر الوهیتی در کتاب دوم و در کتاب سوم است. و بنابراین، مزامیر داوود در کتاب دوم قرار دارند.

اینکه آیا اینطور نیست، من به خاطر نمی‌آورم. نه، ما هیچ مزامیر داوود را در کتاب سوم یا کتاب چهارم نداریم، اما چندین مزمور در کتاب پنجم داوود داریم که از نظر کتاب‌شناسی عجیب است زیرا ما قبلاً مزامیر داوود، پسر یسا را داشتیم که به پایان رسیده است، که نشان دهنده مرحله اولیه در شکل‌گیری کتاب مزامیر است. بین کتاب‌های اول و سوم و کتاب‌های چهارم و پنجم تضاد وجود دارد.

و ظاهراً کتاب‌های اول و سوم زودتر از کتاب‌های چهارم و پنجم شکل گرفته‌اند. و من سعی کردم آن را کنار هم بگذارم و تفاوت‌هایشان را توضیح دهم، اما فکر نمی‌کنم بخواهم بیشتر از این به آن بپردازم. به نظر من نوعی پیشرفت زمانی در این مطالب وجود دارد که کتاب اول، که همه نوشته‌ی دیوید است، احتمالاً مجموعه‌ای قدیمی‌تر است.

اما نمی‌خواهم بیشتر از این ادامه بدهم. برای من کمی زیادی حدس و گمانی است. مرحله پنجم، سپس به تک تک مزامیر نگاه کردیم.

دیدیم که همه آنها به معبد داده شده بودند. دیدیم که لاویان مسئول خواندن مزامیر، آنها را بر اساس ژانر نویسنده و سایر تکنیک‌های جمع‌آوری مطالب جمع‌آوری می‌کردند. سپس به مرحله چهارم که شامل این پنج کتاب و مرحله آخر خود مجموعه کتب مقدس است، پرداختیم.

حالا در یک دوره دانشگاهی، حداقل باید به این نکته اشاره کنم که مجموعه کتب مقدس در قمران، به ویژه این بدان معناست که از غار ۱۱ بیرون آمده است. و این اولین طومار Q یک طومار به نام مزمور ۱۱ مزامیر است که از غار ۱۱ بیرون آمده است.

این کتاب هشت مزمور بیشتر از آنچه در متن ماسورتیک داریم، دارد. و چیدمان طومار قمران تا حدودی متفاوت است. این سوال مطرح می‌شود که آیا جامعه قمران، مجموعه‌ی متفاوتی از آنچه در متن ماسورتیک حفظ شده، داشته‌اند؟ در این مورد دو مکتب فکری وجود دارد.

مثلاً، شما پاتریک اسکپهان را دارید، این هم شمایاهو تالمون، یک کاتولیک رومی و یک محقق یهودی است. آنها فکر می‌کنند که طومار قمران در واقع یک متن مذهبی است. واقعاً سعی نمی‌کند کتاب مقدس باشد.

این اثر برای استفاده در مراسم عبادی ساخته شده بود، اما هرگز واقعاً کتاب مقدس محسوب نمی‌شد. دیگران مانند پیتز فلینت و جیمز سندرز معتقدند که در واقع یک کتاب مقدس متفاوت در قمران وجود داشته است. من فکر می‌کنم شواهد به نفع تفسیر آنهاست زیرا طومارهای دیگر قمران نیز دارای برخی تفاوت‌ها هستند و جای تردید است که همه آنها مربوط به مراسم عبادی بوده باشند.

ممکن است باشد، اما معمولاً این استدلال مطرح می‌شود که آنها احتمالاً جزو کتب مقدس بوده‌اند. اما باید به خاطر داشته باشید که قومران به هر حال کمی منحرف بود. این فرقه، یک فرقه مذهبی متمایز در یهودیت بود و نماینده معبد و یهودیت خاخامی نبود.

بنابراین ممکن است که آنها یک کتاب مقدس کمی متفاوت داشته باشند. من اطلاعات را در آنجا به شما دادم و در مورد آن پاورقی هم می‌نویسم. اما فکر می‌کنم برای مقدمه‌ای بر مزامیر، تقریباً همین مقدار کافی است.

حالا به صفحه ۳۴۴ می‌رسم، و این باید عدد رومی سه باشد، اهمیت شکل‌دهی به مجموعه آثار. می‌گوید، دلچ، این مجموعه نشان از یک ذهن منظم دارد. یعنی بالاخره ویراستاری پیدا شد که همه چیز را سرهم‌بندی کرد.

گواه این مدعا، نحوه‌ی شروع آن با این دو مزمور مقدماتی است، مزمور ۱ و ۲ که مقدمه است، و پنج مزمور آخر که همگی ستایش است. به نظر می‌رسد که یک ویراستار، مقدمه و نتیجه‌گیری را به آن داده و احتمالاً آن را به شکلی که در نهایت، به این شکل نهایی، که اکنون در اختیار ماست، تنظیم کرده است. آنچه اتفاق می‌افتد این است که اکنون ما یک کتاب داریم و در اصل مزامیر، سخنان پادشاه و مردم به خدا بوده‌اند.

اما اکنون سخنان آنها به خدا در این کتاب، در چارچوب کتاب مقدس، به عنوان کلام خدا به جامعه ایمان بازمی‌گردد. بنابراین، در مزامیر، آنها اعمال عظیم خدا را جشن می‌گیرند، اما در ستایش، آنها سخنان عظیم خدا را جشن می‌گیرند. و آنها با این سخنان خدا را ستایش می‌کنند.

بنابراین، ویراستاران کاهن، مزامیر مورد استفاده در مراسم مذهبی معبد را به مراقبه تأملی در کنیسه تبدیل کردند. بنابراین، شکل نهایی احتمالاً در کنیسه برای مراقبه در کنیسه اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، وقتی از مزامیر در موعظه استفاده می‌کنیم، کاملاً با هدف ویراستار نهایی که می‌خواهد ما تأمل کنیم و احتمالاً کل کلام خدا را موعظه کنیم، مطابقت داریم.

به گفته‌ی جینی، آمین مردم دیگر به اعمال خدا پاسخ نمی‌دهد، بلکه به سخنان پرطمطراق و قدرتمند خدا بستگی دارد. حال، نکته‌ی جالب این است که به نظر می‌رسد مزامیر با تمرکز بر پادشاه ویرایش شده‌اند. و این هم مدرکی برای این ادعا.

خب، ما در مورد مقدمه مزامیر ۱ و ۲ صحبت کردیم. مزمور ۱ می‌تواند به معلمان کتاب اشاره داشته باشد، اما من فکر می‌کنم به ... اشاره دارد، وقتی او می‌گوید که روز و شب در تورات تأمل می‌کند، فکر می‌کنم منظورش تورات موسی است. اما مزمور ۲ که بخشی از مقدمه است، یک مراسم تاجگذاری برای پادشاه است. و ما با پادشاه آشنا می‌شویم.

و از آنجا به بعد، همه آنها به جز مزمور ۳۳ که یک مورد غیرعادی است، توسط داوود نوشته شده‌اند، اما همه آنها توسط داوود نوشته شده‌اند. و ما صدای پادشاه را در دعا می‌شنویم. در مزمور ۲، آنها می‌گویند: «از من بخواه، پسر، من ملت‌ها را به میراث تو خواهم داد»

اقصی نقاط زمین ملک شماست. او آن را به پادشاهی جهانی گسترش می‌دهد. و از آنجا به بعد، صدای دعا و نیایش پادشاه را می‌شنویم که از خدا پیروزی بر ملت‌ها را طلب می‌کند.

و این کتاب اول خواهد بود. کتاب دوم با دعا‌های داوود، پسر یسی، به پایان می‌رسد. جالب اینجاست که خود مزمور از سلیمان است، اما به نظر می‌رسد در دعا‌های داوود گنجانده شده است.

فکر می‌کنم کاملاً شبیه کتاب ایوب است که در آن به ما گفته شده سخنان ایوب به پایان رسیده است، اما سخنان ایوب شامل سخنان الیفاز، بلدد و صوفر نیز می‌شود. اما ایوب گوینده اصلی است. و دعای اصلی در این متن داوود خواهد بود زیرا ما حتی در کتاب دوم نیز هسته داوودی داشتیم.

بنابراین، می‌توانید پیشرفت را ببینید زیرا مزمور ۲ یک آیین تاجگذاری است، از من پسر، پسر. و توجه کنید که در مزمور ۷۲ چه اتفاقی می‌افتد، چگونه اکنون آن را به حکومت جهانی پادشاه، چه جهانی در زمان و چه جهانی در مکان، گسترش می‌دهد. ما مزمور ۷۲ را می‌خوانیم، ای خدا، پادشاه را با عدالت خود وقف کن.

ببینید چگونه بلافاصله با پادشاه شروع می‌شود. با مزمور ۲ شروع شد، دعا‌های داوود با این پایان می‌یابد: ای خدا، به پادشاه عدالت خود را عطا کن، ای پسر پادشاه، عدالت خود را. باشد که او قوم تو را به عدالت داوری کند، و ستم‌دیدگان تو را به انصاف.

باشد که کوه‌ها برای مردم رفاه و تپه‌ها میوه‌ی پارسایی به بار آورند. باشد که او از ستم‌دیدگان قوم دفاع کند. و فرزندان نیازمندان را نجات دهد. باشد که او ستمگر را در هم بکوبد.

باشد که او تا خورشید، و تا ماه، در همه نسل‌ها پایدار بماند. باشد که او مانند باران بر مزارع ناله‌کننده ببارد، مانند رگبارهایی که زمین را سیراب می‌کند. باشد که در روزگار او، پارسایان شکوفا شوند و رفاه فراوان باشد، تا زمانی که ماه نیست شود.

بنابراین، در مورد حکومت جهانی او در زمان صحبت می‌شود. و اکنون به حکومت جهانی او در فضا تغییر می‌کند. باشد که او از دریا تا دریا، از رودخانه تا اقصی نقاط زمین حکومت کند.

باشد که قبایل بیابانی در برابر او سر تعظیم فرود آورند و دشمنانش خاک را بلیسند. باشد که پادشاهان ترشیش، که با او هستند، اقصای زمین، اسپانیا و سواحل دوردست، به او خراج دهند. باشد که پادشاهان سبا و سبا به او هدایا تقدیم کنند.

باشد که همه پادشاهان در برابر او تعظیم کنند و همه ملت‌ها او را خدمت کنند. بنابراین، با دعوت از پادشاه برای دعا آغاز می‌شود. ما پادشاه را در حال دعا می‌بینیم.

با این دعای پایانی برای پادشاه به پایان می‌رسد که پادشاهی‌ای جاودانه و جهان‌شمول در زمان و جهان‌شمول در مکان تأسیس کند. بنابراین معمولاً با تشدید اوضاع مواجه خواهید شد. بنابراین، در کتاب اول، تقریباً همیشه داوود در تنگنا است، اما او همیشه در پایان با پیروزی و نذر ستایش ظاهر می‌شود.

وقتی به بیشتر مزامیر می‌رسیم، قبلاً در مورد مزامیر الهی با داوری و در عین حال امید در میان آن صحبت کرده‌ایم. اما مرثیه‌های داوود معمولاً در انتها از مرثیه یا شکایت به ستایش تغییر می‌کند. حالا، وقتی به کتاب سوم می‌رسیم، به تاریک‌ترین بخش مزامیر می‌رسیم.

این همان چیزی است که با نشان دادن خوبی خدا برای اسرائیل شروع می‌شود. اما در مورد من، وقتی رفاه شریان را دیدم، پاهایم تقریباً لغزید. سپس در مزمور ۷۴ ادامه می‌یابد و با تخریب معبد آغاز می‌شود.

خدایا، چرا ما را برای همیشه طرد کرده‌ای؟ چرا خشم تو بر گوسفندان شبانت شعله‌ور است؟ قومی را که از دیرباز خریده‌ای، قوم میراث خود را که نجات داده‌ای، کوه صهیون را که در آن ساکن بودی، به یاد آور گام‌هایت را به سوی این ویرانه‌های ابدی برگردان. تمام این ویرانی را دشمن بر معبد آورده است.

دشمنانت در جایی که با ما ملاقات کردی، غرش کردند. آنها پرچم‌های خود را برپا کردند. آنها مانند مردانی رفتار کردند که تبر به دست دارند تا درختان انبوه را قطع کنند.

آنها تمام قاب‌های کنده‌کاری شده را با تبرها و تبرهای خود خرد کردند. آنها محراب تو را به آتش کشیدند. بنابراین، مزمور ۴ برای ویرانی معبد سوگواری می‌کند.

اما در میان آن، مزامیر ستایش‌آمیزی وجود دارد، اما برخی دیگر نیز از ویرانی معبد ابراز تاسف می‌کنند. همانطور که گفتیم، مزمور ۸۸، باز هم تاریک‌ترین بخش مزمور است. مزمور ۸۹ ظاهراً با شکست عهد داوود به پایان می‌رسد.

این مزمور ۸۹ است. بنابراین، با اشاره به پادشاه به پایان می‌رسد. باز هم، من استدلال می‌کنم که این کتاب حول محور پادشاه تنظیم شده است.

و بنابراین، مزامیر ۲ و ۷۲ همگی درباره پادشاه هستند. می‌توان برای مزمور ۴۱ دلیل آورد زیرا به آرمان عدالت می‌پردازد. اما نگاهی به برخی از مطالب بیندازید.

اکنون می‌توانید ببینید که چگونه، در حالی که مزمور ۷۲ با دعا برای پادشاهی جهانی به پایان می‌رسد، اما در مزمور ۸۹، این یک شکست است. بنابراین، در مزمور ۸۹ می‌خوانیم، من عشق عظیم خداوند را تا ابد خواهم سرایید. با دهانم، وفاداری تو را به همه نسل‌ها اعلام خواهم کرد.

من اعلام خواهم کرد که عشق تو تا ابد پایدار است، که تو وفاداری خود را در آسمان بالا برقرار کرده‌ای. بنابراین، او شکایت بزرگی خواهد کرد که خدا قوم خود را رها کرده است، اما همیشه در ستایش بیان می‌شود. این یکی از نکاتی است که من مطرح کرده‌ام.

تو فرموده‌ای که من با برگزیده‌ام عهد بسته‌ام، برای بنده‌ام داوود قسم خورده‌ام که نسل تو را تا ابد پایدار خواهم ساخت و تخت تو را نسل اندر نسل برقرار خواهم ساخت.

و بنابراین، او در اینجا عهد داوود و عهد خدا با خاندان داوود را بازگو می‌کند. برای مثال، در آیه ۱۹، هنگامی که در رؤیایی با قوم وفادار خود صحبت کردی، گفתי: من به یک جنگجو قدرت بخشیدم. من جوانی را از میان قوم برانگیختم.

من داوود را بنده خود یافتم و با روغن مقدس خود او را مسح کردم. دست من او را حمایت خواهد کرد. مطمئناً بازوی من او را تقویت خواهد کرد.

دشمن بر او چیره نخواهد شد. شریر بر او ظلم نخواهد کرد. دشمنانش را پیش روی او سرکوب خواهم کرد. و مخالفانش را به هلاکت خواهم رساند.

عشق وفادار من با او خواهد بود. و به نام من، شاخ او برافراشته خواهد شد. دست او را بر دریاها و دست راستش را بر رودخانه‌ها و غیره خواهم نهاد.

سپس او در آیه ۳۰ شروط عهد را بیان می‌کند، اگر پسرانش شریعت مرا ترک کنند و از فرایض من پیروی نکنند، اگر فرامین مرا نقض کنند و از نگاه داشتن فرامین من قصور ورزند، گناهشان را با چوب و گناهشان را با تازیانه مجازات خواهم کرد. اما در آیه ۳۵، او می‌گوید، یک بار برای همیشه، آه، آیه ۳۳، اما عشقم را از او نخواهم گرفت. و هرگز به وفاداری‌ام خیانت نخواهم کرد.

من عهد خود را نخواهم شکست و آنچه را که لب‌هایم گفته است تغییر نخواهم داد. یک بار برای همیشه به قدوسیت خود سوگند یاد کرده‌ام. به داوود دروغ نخواهم گفت که نسل او تا ابد ادامه خواهد یافت و تخت او مانند خورشید در برابر من پایدار خواهد ماند.

آن برای همیشه پایدار خواهد ماند، مانند ماه، شاهد وفادار در آسمان‌ها. اما اکنون مرثیه می‌آید، اما شما آن را رد کرده‌اید. شما آن را رد کرده‌اید.

تو بر مسیح خود بسیار خشمگین بوده‌ای. پیمان خود را با بندهات زیر پا گذاشته‌ای و تاج او را بی‌حرمت ساخته‌ای. تمام دیوارهایش را شکسته‌ای و قلعه‌هایش را به ویرانه تبدیل کرده‌ای.

همه رهگذران او را غارت کرده‌اند و او مایه تمسخر همسایگانش شده است. تو دست راست دشمن را بالا برده‌ای. و بدین ترتیب او با عهد داوود که ظاهراً شکست خورده است، پایان می‌یابد، زیرا اکنون مجازات بر خاندان داوود تحمیل می‌شود.

و اینجاست که کتاب سوم به پایان می‌رسد. با شکست عهد داوودی با تبعیدیان به پایان می‌رسد. من با ویلسون بحث می‌کنم، تا حد زیادی حول محور پادشاه است.

فکر می‌کنم می‌توانید این را به وضوح در مزمور ۲، مزمور ۷۲ و مزمور ۸۹ در پایان کتاب سوم ببینید. اما اینجا اتفاقی می‌افتد و بلافاصله به سراغ موسی می‌رویم که خدا از او برای تأسیس ملت استفاده کرد. و اینجاست که به این نتیجه می‌رسیم، ای خدا، امیدوارم عصری گذشته باشد.

اگرچه خاندان داوود شکست خوردند و به عهد خود وفا نکردند، با این وجود، خدا شکست نمی‌خورد. و بنابراین او با این جمله شروع می‌کند: «خداوند، تو مسکن ما در تمام نسل‌ها بوده‌ای، پیش از آنکه کوه‌ها زاده شوند یا تو تمام جهان را از ازل تا ابد بیافرینی. تو خدایی

و در همین زمینه است که در مزامیر مربوط به جلوس خداوند بر تخت سلطنت، به سلطنت او اشاره شده است. بنابراین، اگرچه خاندان داوود شکست می‌خورند، اما خداوند شکست نمی‌خورد. او همچنان سلطنت می‌کند.

و او کسی است که در نهایت داوری را بر زمین نازل خواهد کرد. اگر کتاب سوم با توجه به تبعید نوشته شده باشد، به نظر می‌رسد کتاب چهارم شاید در طول تبعید نوشته شده باشد و آنها به خدایی که ملت را بنیان نهاد، نگاه می‌کنند.

نام موسی فقط یک بار در مزامیر، در کتاب‌های اول تا سوم، فکر می‌کنم مزمور ۷۷، ذکر شده است. در کتاب چهارم، هفت بار از او نام برده شده است. به عبارت دیگر، این دوباره به آغازها برمی‌گردد.

و خدا از خاندان داوود برتر است. وجود آنها به خاندان داوود وابسته نیست. وجود آنها به خدای زنده وابسته است.

مزمور ۱۰۶ که کتاب چهارم را به پایان می‌رساند، این است که آنها از خدا می‌خواهند که ظاهراً آنها را از تبعید رهایی بخشد. به مزمور ۱۰۶ و آیه ۴۷ نگاه کنید، ای خداوند، خدای ما، ما را نجات ده و ما را از میان ملت‌ها گرد هم آور تا نام مقدس تو را شکر کنیم و به نام تو جلال یابیم. و سپس به ستایش تو می‌رسیم.

بنابراین، دعای پایانی کتاب چهارم، جایی که آنها به موسی برمی‌گردند و خدا متعالی شده است. اکنون آنها از خدا می‌خواهند که آنها را، کسانی که در پراکندگی هستند، از ملت‌ها جمع کند. کتاب پنجم به این موضوع می‌پردازد.

و آیه اول مزمور ۱۰۷ با آیه آخر مزمور ۱۰۶ مطابقت دارد. مزمور ۱۰۷، خداوند را شکر کنید زیرا او نیکوست. محبت او تا ابد پایدار است.

بگذارید نجات‌یافتگان خداوند، کسانی که از دست دشمن رهایی یافته‌اند، داستان خود را بازگو کنند. به کسانی که او از سرزمین‌ها، از شرق و غرب، از شمال و جنوب گرد آورد، توجه کنید. بنابراین، کتاب چهارم که ما را از میان ملت‌ها گرد هم می‌آورد، به پایان رسید.

و سپس کتاب پنجم آغاز می‌شود، او کسانی را که از سرزمین‌ها، از شرق و غرب، از شمال تا جنوب، گرد آورد، هنگامی که قوم خود را بازگرداند. و در این زمینه، مزامیر مسیحایی بیشتری را می‌یابیم. در این کتاب است که مزمور بزرگ ۱۱۰ را می‌یابیم، مبنی بر اینکه پادشاهی خواهد آمد که از دریا تا دریا و از ساحل تا ساحل حکومت خواهد کرد و تا اقصی نقاط زمین حکومت خواهد کرد.

بنابراین، فکر می‌کنم می‌توانید ببینید که پادشاه نقش بسیار مهمی در کتاب مزامیر ایفا می‌کند. و فکر می‌کنم همانطور که در مورد مزامیر مسیحایی صحبت کردیم، آنها در نهایت درباره پروردگار ما که آنها را به انجام می‌رساند صحبت می‌کنند. و فکر می‌کنم این نکته خوبی برای پایان دادن به این دوره است.

و ما آن را همینجا متوقف می‌کنیم. می‌توانید با دعا صحبت خود را تمام کنید؟ بله. پدر، از تو سپاسگزارم. که کلام نبوتی مطمئن را، چه به صورت کلام نبوی و چه به صورت نمادین، به ما عطا کردی.

پروردگارا، تو را شکر می‌کنم که آنها درباره پسری که از او خشنودی، سخن می‌گویند. پسری که دل‌های ما را برانگیخته‌ای، که ما به او توکل می‌کنیم. تو را شکر می‌کنم که او در حال ساختن پادشاهی خود است و تو ما را که هیچ کس نبودیم و هیچ اصل و نسب نداشتیم، برگزیده‌ای.

تو ما را برگزیده‌ای تا بخشی از این پادشاهی باشیم. و در دل‌های ما عشق به خودت، عشق به همسایه‌مان عشق به درستکاری را قرار داده‌ای. و در دل‌های ما قدرت تشخیص بین حق و باطل، بین حقیقت و باطل را قرار داده‌ای.

از تو سپاسگزاریم که این لحظات را در کتاب مزامیر با هم گذرانیدیم، جایی که از تو آموختیم. ما حکمت آموختیم و درباره پروردگارمان آموختیم. و بنابراین، پروردگارا، تو دعای ما را اجابت کردی.

از تو می‌خواهیم که به ایمان ما استحکام ببخشی. پروردگارا، دعا می‌کنیم که شور و اشتیاق فضیلت خود را تجربه کنیم، تا به اعترافات خود اعتماد بیشتری داشته باشیم و در آزمایش‌ها، به وفاداری پایبند باشیم. از تک تک دانش‌آموزانی که در این کلاس شرکت می‌کنند، سپاسگزاریم.

ستایش از آن توسست، پروردگار. و باشد که همه دانش‌آموزان بگویند، آمین و آمین. به نام مسیح، آمین.

این دکتر بروس والتکه در حال تدریس در مورد کتاب مزامیر است. این جلسه ۲۸، ویرایش مزامیر است.